باغ‌های ایران و جهان

### نگاهی به باغ فین کاشان
## آب‌های خاطره

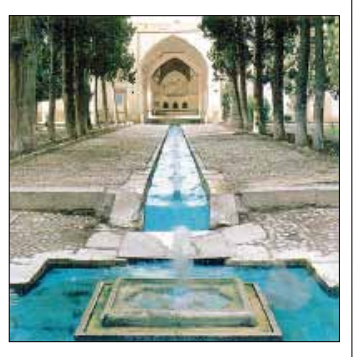


علیرضا امیرحاجبی

■ «و آب جاری می‌شود.» این شاید مهم‌ترین نکته در طراحی باغ‌های ایرانی است. آب عنصر مقدسی که سابقه تقدسش به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد. به خصوص در مناطقی گرمسیر و کم‌باران که حیات انسان را به شدت به خود وابسته می‌کند. باغ فین یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های باغسازی ایرانی است که در زمان حکومت سلسله آل‌بویه ساخته شد و تا عصر ایلخانان رو به گسترش رفت. به نظری اجمالی به باغ‌های ایرانی می‌توان به دو نکته بارز که وجوه اختلاف آنها را با سایر طراحی‌های باغ در دیگر نقاط جهان برجسته می‌کند، پی برد. اول مرکزیت یا به بیان دیگر تمرکزگرایی که می‌تواند بازتابی از اعتقاد به وحدانیت ازلی و ابدی پروردگار داشته باشد و دوم پدیداری آب در باغ که از چندین وجه قابل بررسی است. اگر چنین پاسخ داده شود که آب در باغ‌های غیرایرانی نیز حضوری موثر دارد می‌توان در جواب گفت بله اما همان باغ‌ها نیز به اشکال مختلف تحت‌تاثیر باغسازی ایرانی بوده از جمله باغ‌های هندی، آندولسی و عربی و حتی باغ‌های عربی آفریقایی در مراکش یا تونس.

طراحان باغ فین‌کاشان با در نظر گرفتن این دو عنصر اصلی باغسازی ایرانی محوطه اصلی آن را به شکلی سامان بخشیده‌اند که از برخورد دو محور شرقی- غربی و شمالی- جنوبی چهارراهی خلق شده که در مرکز آن کوشک یا عمارت اصلی قرار دارد و حوض طویل مستطیل شکلی در پایین دست آن باغ را به دو بخش تقسیم می‌کند. با اینکه عمارت باغ فین در زمان ایلخانان ساخته شده اما بازسازی و تغییراتی را در دوره صفویه شاهد بوده است و در حال حاضر این کوشک سبکی کاملا صفوی دارد. این باغ به مانند یک شاکله تمام‌عیار معمارانه در طی چند قرن دچار تحولاتی شده است. اشکوبه‌ها، طاق‌نسبت‌ها، تقارن‌های سه‌تایی (یک در مرکز و دو عنصر در چپ و راست) و چهارتایی (دو عنصر در طرفین) نشان از حضور معمارانی صفوی دارد.

مفهوم چهارباغ در طراحی باغ فین به شکلی کامل تجلی یافته است که می‌تواند توسط مفسران دلالتی دوباره بر مفاهیم فلسفی – عرفانی نزد ایرانیان باشد به خصوص نحوه نگرش ثنویت‌گران

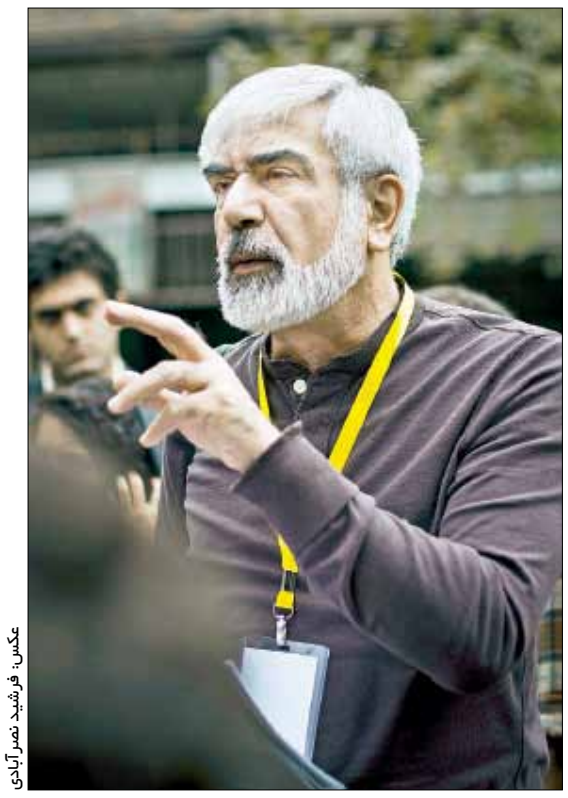


پارسی (Dualism) چه قبل و چه بعد از اسلام در این میان که گذرگاه‌های فرعی باغچه‌های چهارگانه را به‌هم پیوند می‌دهد محوریت- مرکزیت آب نقشی بس شگفت را ایفا می‌کند. «آب» حامل است. هم حاملی مادی و هم معنوی (بخوانید مفهومی). تفسیرپذیر است که مفاهیمی چون حیات، روشنی، شفافیت، انعکاس بخشی زیبایی را می‌توان بر آن بارگذاری کرد و ایرانیان چه زیبا این عنصر حیاتی را به مثابه پدیده‌ای شاعرانه کشف و غنایی مفهومی بخشیده‌اند. آب در کنار عنصر دیگری مانند باد وجه آکوستیک و صوتی خود را به خوبی نمایش می‌دهد. این خصوصیت با لحظه‌ای سکوت در باغ‌های ایرانی عابر را به تعمق وادار می‌کند. ویژگی‌های آکوستیک آب شاید به ظاهر توسط کارشناسان اروپایی در قرن بیستم کشف شده باشد، اما معماران ایرانی به شکلی کاملا تجربی بادانشی سینه به سینه صوت را نیز به زیباشناسی شرقی و چرخه بی‌پایان آن افزودند. بنا را بر ستایش و اغراق نخواهیم گذاشت. معماری ایران سرشار از کاستی و قوت‌های همزمان و همنشین بوده و هست، اما عینیت یک باغ، منظره آرامش‌بخش کوششی نه چندان بزرگ اما زیبا، گفت‌وگوی بی‌پایان آب پراحساس و درختان متنوعی که آن را در آغوش گرفته‌اند اغراق‌گویی نیست.

وسواس در مدیریت و هدایت آب در معماری ایرانی به‌خصوص در طراحی باغ‌ها نشان از ارزش‌گذاری مضاعف این عنصر در فرهنگ کهن ایرانی دارد. سرچشمه‌های آب همواره از خارج از باغ با دقتی جالب توجه و پیش‌بینی‌های کاملا خردگرایانه و عملی به باغ راهنمایی شده است. آب هیچ‌گاه در باغ رها و سرگردان و راکد و بی‌حرکت نمی‌ماند بلکه در گردش است تا آنکه عاقبت از خروجی باغ به بیرون هدایت شود و مزارع کشاورزی را حیات بخشد. آینه متحرک که زیبایی آسمان را در خود حفظ می‌کند. نیازی نیست تا به آسمان نگاه کنیم. انعکاس مفهوم آسمان در محور اصلی باغ‌های ایرانی نمایان است. نیازی نیست تا به چهره‌ات در آینه‌های عمودی نگاه کنی، به آب بنگر که آب عزیز است.

### گفت‌وگو با دکتر مهدی حجت، استاد دانشگاه شهید بهشتی
# حاضر شدن در محضر معماری

نفیسه حاجاتی



عکس: فرشید نصرآبادی

**اخیرا شهر بیرجند با روستاهای متفاوتش چون خور، خوسف، فورگ، بجد و باغ امیرآباد میزبان شرکت‌کنندگان در «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بیرجند» بود. دکتر حجت استاد دانشکده معماری در یکی از معتبرترین دانشگاه‌های کشور است. او مدتی است با دبیرخانه رویدادهای معماری ایران (وابسته به مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران) همکاری می‌کند. این مرکز کارگاه‌هایی را با عنوان «کارگاه فهم معماری ایران» در شهرهای مختلف برگزار می‌کند. کارگاه‌هایی که با استقبال زیاد دانشجویان و علاقه‌مندان معماری از سراسر کشور روبه‌رو شده‌اند و رویه منحصر به فردی دارند. با این معمار درباره این کارگاه‌ها به گفت‌وگو نشستیم.**

■■■

**آقای دکتر، من در شوشتر شاهد بودم که دانشجویان زیادی دوست داشتند به همراه شما به ملاقات بافت تاریخی این کهن شهر بروند و شما از ابتدا با این کارگاه‌ها همکاری داشته‌اید، ایده اولیه این کارگاه‌ها از کجا آمد؟**

دوستان ما، آقای قاسمی و همکاران‌شان، برحسب موقعیتی که چند سال پیش در اصفهان داشتند، علاقه‌مند بودند که فعالیت‌هایی را جهت پاسخ گفتن به نیازهای حقیقی دانشجویان معماری برقرار کنند و جریانی راه بیفتد که بتواند خلأیی که در ذهن بچه‌ها هست و عطشی را که نسبت به یافتن چیزهای جدید و بهتر دارند، پر کند. با هم مشورت کردیم و ایده اولیه‌ای شکل گرفت و بعد در کاشان، شوشتر و گرگان ادامه یافت، این بود که برای فهم معماری ایران باید در محضر این معماری حاضر شد. اگر بخواهیم همه معماری را در حالی که دانشجویان دورند، فقط در کلاس‌ها توصیف کنیم، ارزش‌های حقیقی که در معماری هست به دانشجو منتقل نمی‌شود. چون معماری امری است که با حضور انسان تحقق پیدا می‌کند. باید در معماری حاضر باشید تا معماری را بفهمید. همان‌طور که فیلم را باید ببینید و موسیقی را گوش بدهید تا بتوانید درک کنید. باید رفت داخل معماری و لمسش کرد. کل ایده این بود که بچه‌ها را ببریم در نقاط مختلف این سرزمین و آنها را با تجلیات گوناگون و ارزش‌های متنوعی که در این سرزمین وجود دارد، از نقطه نظر معماری، آشنا کنیم. آقای قاسمی حرکت کردند که امکانات را فراهم کنند. برای اینکه بچه‌ها فقط به صورت توریست نروند و بازدید کنند. خب خیلی‌ها سفر می‌روند. خیلی از آثار را می‌بینند و... ولی این، حاضر شدن در محضر معماری نیست. بنابراین باید تمهیداتی اندیشیده می‌شد تا آن مواجهه بین دانشجویان و اثر حقیقتا تحقق پیدا کند. یعنی در آن محضر حاضر شوند و آن را درک کنند. تا نایل به قرائت ارزش‌های معماری شوند.

**در «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره شوشتر» شرکت‌کنندگان در سه مقطع و به صورت سه گروه ۲۰۰، ۱۵۰ و ۲۰۰ نفره تقسیم‌بندی شدند. در گرگان ۳۰۰ نفر شرکت‌کننده حاضر شدند و در «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بیرجند» ۲۵۰ شرکت‌کننده داشتید. انتخاب این دانشجویان چگونه انجام می‌شود؟**

ما تجربیاتی را آغاز کردیم که خلاصه‌اش این بود که با بچه‌ها ارتباط برقرار کنیم تا از مجموعه بیش از ۱۵۰۰ متقاضی که وجود دارد، چیزی حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر را انتخاب کنیم. این به صور مختلف اتفاق می‌افتد. گاهی سوال‌هایی مطرح می‌کنیم. گاهی کارهایشان را می‌بینیم. گاهی علائق‌شان را می‌سنجیم و در آینده، هم از روش‌های به‌روزتری برای انتخاب استفاده می‌کنیم تا بتوانیم بچه‌های علاقه‌مندتر، مشتاق‌تر و مستعدتر را انتخاب کنیم. تلاش می‌کنیم پولی که مردم و مسوولان هر کدام از این استان‌ها پرداخت می‌کنند تا دانشجویان بروند و با معماری سرزمین‌شان آشنا شوند، هدر نرود چون ما از نظر شرعی مسوولیم. نمی‌شود در جهتی خرج کنیم که یک عده بروند تفریح کنند. بالاخره هر کسی برود جایی را ببیند، چیزی دستگیرش می‌شود اما اینکه راندمان ماکسیمم را دارد یا نه، ما مسوولیم و باید پاسخگو باشیم. این کار را قدری مشکل می‌کند.

از ابتدا برنامه‌ریزی می‌کنیم. اساتید راهنما، یک هفته از کار و زندگی‌شان دست می‌کشند، می‌روند در محل حاضر می‌شوند و در خدمت دانشجوها هستند. پس قدم اول این است که ما با دانشجوها مواجه می‌شویم و آنها را انتخاب می‌کنیم. بعد باید دانشجوها قبل از اینکه به آن محل بروند، تصوری از کاری که باید در آنجا انجام بدهند، پیدا کنند. برای همین، تکالیف و تمرین‌هایی به دانشجویان می‌دهیم. این کار هم باعث می‌شود بتوانیم تعدادی را که آمادگی بیشتری دارند، انتخاب کنیم و هم موجب اتصال، تماس و ارتباط بیشتر آنها یا به تعبیر بنده، موجب قرائت صحیح‌تر و بیشتر از معماری در آن محل می‌شود. چون معماری را باید بفهمند و درک کنند. اگر فقط ناظر باشند و عکاسی کنند، ارتباطی که مدنظر ماست، برقرار نمی‌شود. بعد از این مرحله که شرکت‌کنندگان، انتخاب شدند و تقریبا یک تصور عمومی نسبت به آنچه در آنجا می‌خواهد اتفاق بیفتد، پیدا کردند، به محل می‌بریم‌شان. در آنجا چون تعدادشان زیاد است، به چند گروه قالبا ۵۰ نفره، تقسیم می‌شوند و برای هر گروه دو نفر راهنما، استاد، آدم پیشکسوت قرار می‌دهیم. دو نفر دستیار هم خواهند داشت که برنامه‌ای را که در آنجا باید اجرا شود، انجام دهند.

**برنامه کارگاه‌ها به چه ترتیب هستند؟**

آن برنامه‌ها عموما به این ترتیب است که به طور خلاصه، بچه‌ها با شهر و ارزش‌های معماری منطقه آشنا می‌شوند؛ هم به وسیله توضیحاتی که شب اول در قالب نشست و کرکسیون برایشان داده می‌شود؛ هم از طریق فیلم‌ها، اطلاعات، گزارش‌های تاریخی، باستان‌شناسی، جغرافیایی و غیره و هم از طریق ملاقات با معماری که به همراه اساتیدشان تجربه می‌کنند. بعد بر حسب علاقه و تجربه‌ای که پیدا کرده‌اند، سوژه‌ای را انتخاب و در موردش با اساتیدشان مشورت می‌کنند. روی سوژه کار می‌کنند و محصولی را عرضه می‌کنند. این محصول می‌تواند کروکی، تصویر، نوشته و هر چه که دوست دارند، باشد. آثار را تحویل می‌دهند. در هر یک از گروه‌ها آثار مقایسه می‌شوند. چند تا از آثار به عنوان برگزیده انتخاب می‌شوند، می‌آیند در صحن اصلی، بین گروه‌های برگزیده، مقایسه می‌شوند و نهایتا تعدادی از کارها به عنوان آثار برتر معرفی می‌شوند.

**به نظر شما برگزاری این کارگاه‌ها چه کارکردهایی می‌تواند داشته باشد؟**

این امکان هست که برای کسی که رانندگی بلد نیست، رانندگی کردن را توضیح بدهید. او هم می‌فهمد ولی وقتی پشت فرمان بنشیند، نمی‌تواند رانندگی کند. مگر اینکه تمرین کافی داشته باشد. چیزی که ما در کلاس می‌گوییم، حکم همین توضیحات را دارند. در حالی که معماری امری است که آدم از نزدیک باید ببیند و در آن حضور داشته باشد.

باید از نزدیک ببینید کسی که فضایی را درست کرده که شما در آن احساس آرامش و امنیت می‌کنید، با چه ابعادی، چه موادی و چه میزان از نور، چگونه گشودگی و بستگی این امکان را فراهم کرده است. باید معماری را درست مثل خورش قورمه سبزی بگذارید توی دهنتان، مزه مزه‌اش کنید. حسش کنید. فردا که می‌خواهید، خودتان طراحی‌اش کنید، یادتان بیاید که چنین مجموعه‌ای، چنین حسی را به وجود می‌آورد. اگر وارد اینجا شدید شما احساس گشودگی و فراخی کردید این به چه وسیله‌ای فراهم شده و اگر در جایی احساس بستگی یا تنگنا کردید، آن را از چه راهی فراهم کرده‌اند. در مقابل یک پدیده طبیعی مثل آب، درخت، نور و... چه طور باید رفتار کنید. فهم اینها احتیاج به کار تجربی، عینی و عملی دارد که آدم برود تجربه‌ها را ببیند و درس بیاموزد.

**در این کارگاه‌ها روی آموختن از معماری گذشتگان تاکید می‌شود. این شناختن معماری گذشته چه لزومی دارد؟**

من همیشه گفته‌ام که مراجعه به معماری قدیم ما حکم حل کردن حل‌المسایل را دارد. دانشجوی ریاضیات، حل‌المسایل دارد. می‌داند که در امتحان همان سوال‌ها را نمی‌دهند ولی آنها را حل می‌کند. وقتی به معماری گذشته مراجعه می‌کنیم. داریم به یک حل‌المسایل نگاه می‌کنیم. می‌بینیم که وقتی می‌خواستند فلان احساس را به وجود بیاورند، این کار را کرده‌اند. ما نمی‌خواهیم هیچ وقت مثل او عمل کنیم ولی باید ببینیم که سوال چه بوده، جواب چه بوده، چه راه‌حل‌هایی با توجه به فرهنگ و سلیقه و ذوق ایرانی و با مواد و مصالح و تکنولوژی موجود در کشورمان، پیدا شده. اگر بخواهیم معماری آینده‌مان فرزند خلف معماری گذشته باشد و در امتداد آن حرکت کند و دوباره ما را برگرداند به همان افتخاراتی که در گذشته در حوزه معماری داشتیم، باید معماری گذشته را درک کنیم. کسی که تقلید می‌کند، همیشه از مقلد خودش عقب‌تر است. ما در تمام طول تاریخ از نقطه نظر معماری سرآمد بوده‌ایم. اما الان صد، دویست سالی است که به تقلید افتاده‌ایم. در حالی که گنجینه عظیمی داریم که با ذوق و فرهنگ ما هم سازگار است. ما فرزندان این آب و خاکیم؛ فرزندان تجربیات تاریخی خودمان. مجموعه تاریخ و باورهای این سرزمین است که ما را «ایرانی» می‌کند. برای اینکه معماری ما به قول امروزی‌ها، معماری اسلامی-ایرانی باشد، ما نیاز داریم قواعد را بشناسیم. وگرنه مثل این است که من بخواهم فارسی حرف بزنم اما زبان فارسی بلد نباشم. اگر می‌خواهید معماری‌تان ایرانی باشد، باید معماری ایرانی را ببینید تا بفهمید معماری ایرانی چه طوری است. اگر می‌خواهید معماری‌تان اروپایی باشد، خب بروید معماری آنها را ببینید و از آنها یاد بگیرید.

اگر فرزند این مملکت هستیم و می‌خواهیم معماری این سرزمین را تداوم و ارتقا ببخشیم، اول باید الفبایش را یاد بگیریم. در این صورت است که می‌توانیم به آن زبان هر چه می‌خواهیم، بگوییم. خاصیت زبان این است. وقتی زبان یاد بگیریم، چون زبان را بلدیم و از گذشتگان آموخته‌ایم، حرف آنها را تکرار نمی‌کنیم. حرف خودمان را به زبان آنها می‌زنیم. باید زبان را بیاموزید تا بتوانید حرفی متناسب با امروز بزنید. تا مثلا بفهمید که ارزش آب در این سرزمین چه قدر است.

**همه جوان‌ها در هر زمینه‌ای که کار می‌کنند باید حرکت کنند، نقاط مختلف ایران را ببینند و بشناسند خود من به مسافرت‌های داخل ایران خیلی اهمیت می‌دهم البته نه مسافرت‌هایی که در عید یا تابستان خیلی‌ها می‌روند و فقط چند روزی در ویلای شمال یا هتلی در اصفهان می‌مانند**

من همیشه در کلاس‌هایم این مثال را می‌زنم که اگر یک نفر در اتاق را باز کند، بیاید تو و بگوید: «فردا می‌خواهد باران بیاید.» این جمله در لندن چه فرقی با یزد دارد؟! باران، درخت، آب، نور، آسمان، ابر و همه این عناصر در هر سرزمین معنای متفاوتی دارد. بنابراین اگر کسی می‌خواهد در این سرزمین کار کند، باید معنای هر کدام از این مواد و مصالح را بفهمد. برای ما در تمام طول این تاریخ سرمایه‌ای فراهم شده که امروز می‌توانیم با آن زندگی کنیم. سرمایه به این عظمت را، این ارث پدرمان را کنار گذاشته‌ایم و رفته‌ایم دریوزگی و گدایی نزد دیگران. این فاجعه است. اینها مجموعه‌ای از میراث عظیمی است که در اختیار ما قرار گرفته. میراث فرهنگی که فقط برای توریست نیست. میراث فرهنگی تمام حیثیت و همه سرمایه ماست. تمام آن چیزی است که ما با آن می‌توانیم آینده‌مان را بسازیم. خطی است که ما آغازش کرده‌ایم و می‌توانیم فرهنگ‌مان را از طریق آن تداوم بخشیم. این که مدام حسرت بخوریم که چرا وضع تهران و ساختمان‌هایش این طوری است، فایده‌ای ندارد. شما از یک نقاشی خوب، یک تئاتر و فیلم خوب لذت می‌برید. اما تا به حال از یک فضای خوب هم لذت برده‌اید؟ ما فضایی داریم؟ شما هر وقت می‌خواهید لذت ببرید، باید بروید کنار دریا، کوهستان یا جنگل. اما فضایی نداریم که مصنوع بشر و برای ما لذت‌بخش باشد.

این درحالی است که هنوز هم شما با اینکه فرزند زمانه جدید هستید، وقتی به معماری قدیم مراجعه می‌کنید، با خودتان می‌گویید: آهان این جایی است که دارم لذت می‌برم.

**تا اینجای صحبت مدام از دانشجویان معماری صحبت کردیم. اما در طرف دیگر ماجرا، استان‌ها و مناطقی هستند که میزبان کارگاه‌های فهم معماری می‌شوند. این برنامه، چه فوایدی می‌تواند برای آنها داشته باشد؟**

سوال بسیار خوبی است. ۱۵، ۲۰ سال پیش که من در سازمان میراث فرهنگی بودم، این را آنجا عرض کردم ببینید اگر شما تا حالا اهواز نرفته باشید، کنکور بدهید و اهواز قبول شوید، یک ترس بزرگ شما را می‌گیرد. می‌گویید من دارم به ناکجاآباد می‌روم! اما اگر شما به این شهر رفته باشید. در اهواز زندگی کرده باشید و با ارزش‌های آنجا و مردمش آشنا باشید، راحت‌تر می‌توانید بروید و برای تحصیل یا کار در آنجا زندگی کنید. می‌خواهم بگویم چیزی که موجب وحدت ملی می‌شود، این است که آحاد یک ملت از نقاط مختلف سرزمین خودشان مطلع باشند. ببینید، الان نقاطی از ایران که شما آنها را ندیده‌اید، جزو ایران ذهن شما نیستند. بنابراین اگر می‌خواهیم جوان‌های ما ایران برایشان ایران باشد، باید این سرزمین را دیده باشند و با نقاط مختلفش مانوس باشند. اگر جوان این مملکت بنشیند در خانه‌اش در تهران و بگوید من ایرانی هستم، که ایرانی نمی‌شود. باید بروید ایران را ببینید و لمس کنید. ایران کشور بسیار بزرگ، زیبا، ثروتمند و خوبی است. یکی از فوایدی که این کارگاه‌ها برای خود استان‌ها دارد، این است که وقتی ۲۵۰ نفر آدم، آن هم دانشجویان معماری به آن استان می‌روند، آن مناطق، جزو ایران ذهنشان قرار می‌گیرند. اینها دانشجویان معماری هستند کسانی که فردا معماری مملکت به دست آنها داده می‌شود. یعنی سرنوشت و کیفیت زندگی مردم یک سرزمین را تعیین خواهند کرد. این بچه‌ها با آن سرزمین رفیق می‌شوند و اگر یک پروژه کاری مثلا در بیرجند به‌شان پیشنهاد شد، احساس می‌کنند که آن منطقه، مردمش و نوع زندگی آنجا را می‌شناسند. همه جوان‌ها در هر زمینه‌ای که کار می‌کنند باید حرکت کنند، نقاط مختلف ایران را ببینند و بشناسند. خود من به مسافرت‌های داخل ایران خیلی اهمیت می‌دهم. البته نه مسافرت‌هایی که در عید یا تابستان خیلی‌ها می‌روند و فقط چند روزی در ویلای شمال یا هتلی در اصفهان می‌مانند. باید برنامه‌ای داشته باشیم و جاهای نادیده را ببینیم. باید آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها برنامه‌های سفر داشته باشند و مرتب دانشجوها یا دانش‌آموزان‌شان را به نقاط مختلف کشور ببرند.

هر چه قدر مردم ایران، کردستان را بیشتر ببینند، کردستان بیشتر متعلق به ایران می‌شود و مردم بیشتر متعلق به کردستان. حسن این کارگاه‌ها این است که ما نمی‌رویم در هتل و بعد چهارتا بنای تاریخی را ببینیم و برگردیم. ما در حقیقت می‌رویم تمام شهر را می‌بینیم، با مسوولانش صحبت می‌کنیم. بچه‌ها با منطقه، مانوس می‌شوند. بنابراین اولین فایده‌اش این است که موجب وحدت ملی می‌شود. دومین خاصیتش این است که بسیاری از این اساتید و دانشجوها وقتی که می‌روند آنجا مقاله، نوشته، عکس، فیلم، گزارش، طرح و غیره راجع به آن محل تهیه می‌کنند. بنابراین یک مقدار بسیار زیادی تولیدات معمارانه و فرهنگی راجع به آن استان حاصل می‌شود. مثلا وقتی به گرگان رفته‌ایم، دانشجوها و اساتید بحث می‌کنند در مواردی که شهرسازی گرگان چه طوری است، بناهای مذهبی‌شان چگونه ساخته شده‌اند، ترکیب بافت شهری‌اش چگونه است، اگر مثلا شهر در این جهت حرکت کند، بهتر است و... در حقیقت بچه‌ها با پروژه‌هایی که فراهم می‌کنند در حقیقت دارند وضعیت آن منطقه را نقد و بررسی می‌کنند و راهکارهایی ارایه می‌دهند. به همین جهت هم هست که تقریبا در همه نشست‌هایی که ما داشتیم، در جلسات اختتامیه و زمانی که مقالات برگزیده ارایه می‌شوند، غالبا شهردار، فرماندار، استاندار و مسوولان استان می‌آیند، می‌نشینند و گوش می‌دهند. بنابراین به‌خاطر این کارگاه‌ها مقدار زیادی ادبیات معمارانه در حوزه آن استان، فراهم می‌شود که در اختیار مسوولان هم قرار می‌گیرد. فایده دیگرش هم این است که بچه‌ها با مسوولان آن استان، دانشجویان، فعالان میراث فرهنگی و افرادی در آن استان آشنا می‌شوند، ارتباط برقرار می‌کنند و این ارتباطات آرام آرام مبانی خیلی خوبی برای فعالیت‌های آینده دانشجویان فراهم می‌کند.

معماری و آینده

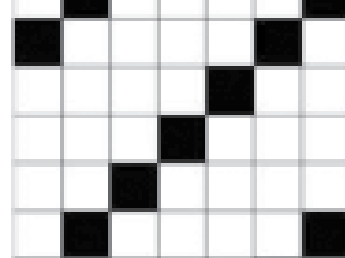
## یادمانی برای شمس تبریزی



■ بنای یادمان شمس با هدف معرفی هر چه بیشتر تبریز به عنوان زادگاه شمس تبریزی، ایجاد جاذبه‌های گردشگری، احیای هویت تاریخی تبریز و شناساندن ابعاد معنوی و عرفانی این عارف بزرگ قرن ششم هجری در محل باغ گلستان به زودی کلنگ‌زنی خواهد شد. ساخت این طرح در پی برپایی یک مسابقه به فراخوان گذاشته شد. از میان ۷۸ طرح معماری واصله به دبیرخانه جشنواره، ۲۲ طرح در مرحله نخست داوری و ۱۰ طرح در مرحله دوم انتخاب شده‌بودند که در نهایت سه اثر برگزیده جشنواره انتخاب و معرفی شدند. در مرحله آثار برتر جشنواره، طرح مهندسین مشاور حاجی‌زاده و همکاران از تبریز رتبه اول، طرح دفتر مهندسین مشاور پیوند فضا شهر از تبریز رتبه دوم و طرح مهندس علی‌رضا طاهری از تهران رتبه سوم این مسابقه را به خود اختصاص دادند که به طرح‌های اول تا سوم جوایز نقدی اهدا شد.

## ساختمان کشتی نوح امروزی

■ پروژه کشتی نوح یک سازه آینده نگرانه است که توسط شرکت معماری Remistudio طراحی شده. این پروژه برای آن طراحی شده تا براساس آن بتوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نگرانی امروز در زمینه بلایای طبیعی مانند سیل، توفان‌های سهمگین و زلزله را کنترل کرد. ایده اولیه این ساختمان را الکساندر رمیزوف ارایه داده است. قرار است کاربری این بنا، هتل باشد. زیربنای این سازه چهارهزار و ۲۰۰ مترمربع خواهد بود. الکساندر رمیزوف طراح این پروژه متولد ۱۹۶۰ در مسکو است.



جدول ۱۳۳۴

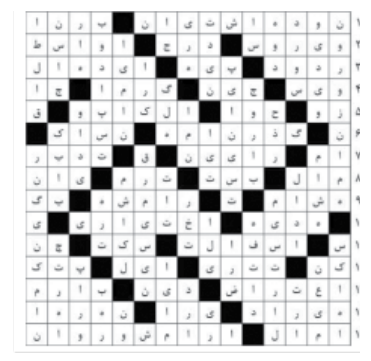
**افقی:**

۱- رودی مهم در آسیا- پست فطرت- پشته خاک ۲- از فراعنه مصری- فرزند زاده- موسیقیدان آلمانی ۳- نردبان- آب در زبان کودکان کوچک- بزرگواری ۴- پسوند شباهت- مورد استفاده- خشک ۵- الفت- جای فشنگ- نمایشی مرکب از کنسرت، تئاتر، رقص... ۶- جمع نفس- ادیت- آتش ۷- زین ساز- قاضی اموات هندوها- تذکره ۸- پنبه زن- آرامش، آسودگی ۹- رمق آخر- اثری از ارزقی هروی- بپاخاستن ۱۰- سلاح انفجاری- فلزی سفید که در طب به کار می‌رود- ارتعاش ۱۱- لباس گورخر- ساز سیمی که ۴۶ سیم دارد وبا دست نواخته می‌شود- نقص ۱۲- اجازه‌دهنده- از دنیا رفتن- ساز شاکی ۱۳- انتظار و چشمداشت- ترشرویی- ترویج‌دهنده ۱۴- گذاردن- کروموزم غیرجنسی انسان- نام سیاح معروف ایتالیایی ۱۵- شاخ شکسته!- آبادکننده- پیشوای دوم شیعیان

**عمودی:**

۱- ترسیده- کرسی وعظ- زادگاه نیما ۲- گشوده- گرانمایه‌تر- پیشوای هشتم شیعیان ۳- شهر آرزو- خانواده‌ای پرقدرت در زمان اشکانیان- یکجا ۴- جمع ناسک- شش عرب- شهر صنعتی آلمان ۵- جسور و بی‌پروا- از جان گذشته- دومین دورقمی ۶- پایتخت لهستان- سرب‌ها- کوچک‌ترین ذره یک عنصر ۷- درخت زبان گنجشک- واحد رایانه‌ای- کافی- غذا خوری چهارپایان ۸- حمال- از شهرهای خوزستان ۹- کشور قذافی- حرف ندا- جوهرخوشنویسی- آب تازی ۱۰- رفیق مشهدی- هوس زن باردار- مهربانی کردن ۱۱- یک عامیانه- نقاب- شهر ایتالیا ۱۲- بنای مرتفع- اثر تربیتی ژان ژاک روسو- ملامت‌کننده ۱۳- قرقره‌ای که به دور آن سیم روکش‌دار پیچیده و از آن جریان عبور می‌دهند- خیابان- زخم ۱۴- باغ انگور- زینت داده شده- شخص مبهم ۱۵- پاره- واحد فرکانس- حمله ناگهانی

حل جدول ۱۳۳۳





سودوکو ۳۳۷

سودوکو یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲ | | | | ۶ | | ۸ | ۹ | ۷ |
| | | ۷ | ۳ | | | ۵ | ۶ | |
| ۶ | | | | | ۲ | ۱ | ۳ | |
| ۵ | | ۸ | ۹ | | | | | |
| | | ۴ | ۵ | | ۱ | | ۲ | |
| | | ۲ | | ۸ | ۶ | | ۵ | ۱ |
| ۴ | | ۶ | | ۱ | ۳ | ۲ | | |
| ۸ | ۷ | ۵ | | | ۹ | ۶ | ۱ | |
| ۳ | | ۱ | ۶ | | | ۴ | ۸ | |

حل سودوکو ۳۳۶

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷ | ۴ | ۲ | ۸ | ۵ | ۹ | ۱ | ۳ | ۶ |
| ۵ | ۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۶ | ۷ | ۸ | ۴ |
| ۸ | ۶ | ۳ | ۷ | ۱ | ۴ | ۵ | ۲ | ۹ |
| ۹ | ۳ | ۸ | ۱ | ۴ | ۵ | ۲ | ۶ | ۷ |
| ۲ | ۵ | ۶ | ۹ | ۷ | ۸ | ۳ | ۴ | ۱ |
| ۱ | ۷ | ۴ | ۳ | ۶ | ۲ | ۸ | ۹ | ۵ |
| ۶ | ۲ | ۹ | ۵ | ۸ | ۷ | ۴ | ۱ | ۳ |
| ۴ | ۱ | ۷ | ۶ | ۲ | ۳ | ۹ | ۵ | ۸ |
| ۳ | ۸ | ۵ | ۴ | ۹ | ۱ | ۶ | ۷ | ۲ |